



عکس: لیلا موسوی زاده

با مجید کیانی استاد سنتور و چهره ماندگار

شکستی نمی بینم

لیلا موسوی زاده

مجدید کیانی نوازنده سنتور به عنوان چهره ماندگار در رشته موسیقی امسال انتخاب شد. ردیف سنتور ابوالحسن صبا، قطعات علینقی وزیری و روح... خالقی را در هنرستان آزاد موسیقی ملی به مدت چهار سال و نزد منوچهر صادقی و محمد حیدری فرا گرفت. سپس در دانشکده هنرهای زیبای تهران قسمتی از ردیف میرزا عبدا... را نزد داریوش صفوت و نورعلی برومند آموخت و برای ادامه آن مدت چهار سال دیگر نزد استاد برومند ماند و شیوه سنتور نوازی حبیب سمعی را فرا گرفت. پس از آن مدت دو سال نزد عبدا... دوامی برای آموختن ردیف آوازی و همچنین چگونگی اجرای موسیقی ایرانی تحصیل کرد. همچنین برای آشنایی با موسیقی غیر ایرانی و روش تحقیق مدت سه سال در دانشگاه سوربن پاریس بخش موسیقی شناسی نزد پروفیسور ادیت وبر و تران وانکه تحصیل کرد.

مجدید کیانی در سال ۱۳۵۸ پس از بازگشت به ایران به تحقیق در زمینه موسیقی ایرانی مشغول شد و ثمره آن تالیف و ضبط هفت دستگاه موسیقی ایرانی و آثاری در زمینه تکنوازی سنتور از جمله شیوه سنتورنوازی حبیب سمعی، ضربی های حبیب سمعی، بررسی سه شیوه هنر تکنوازی، خسروانی، آموزش سنتور و روش ردیف نوازی و شناخت موسیقی است. مجدید کیانی از سال ۱۳۵۲ تاکنون ۲۰ اثر صوتی و هشت کتاب منتشر و حدود ۱۵۰ برنامه آموزشی و پژوهشی را به صورت سخنرانی و اجرای موسیقی برگزار کرده است.

موسیقی است همه این هنرها به هم ربط دارد. سال قبل هم در سمینار خوشنویسی آن را با موسیقی ایرانی تطبیق دادم که خیلی مورد توجه خوشنویسان قرار گرفت.

آرامش و آزادی

همیشه در خانواده احساس آرامش و آزادی می کردم هیچ وقت اجبار برای درس خواندن نداشتم و همیشه در مدرسه رفتن آزاد بودم و آزادانه فکر می کردم و برای انتخاب موسیقی آزاد بودم. پدرم همیشه مشوق من بود ولی مادرم چون مذهبی بود خیلی تمایل نداشت که من موسیقی کار کنم ولی به مرور راضی شد. هیچگاه به موسیقی به عنوان تفنن نگاه نمی کنم ولی با موسیقی خیلی از رازها کشف می شود ولی برای خودم سؤال بود که آیا موسیقی در فرهنگ ما جایگاهی ندارد. به همین دلیل دو یا سه بار ترجمه قرآن را خواندم، دیدم هیچ جا موسیقی نفی نشده است چون اگر از هرجایی سؤال می کردم به خصوص افراد مذهبی جواب منفی می شنیدم و بعدها متوجه شدم موسیقی در فقه جایگاه خیلی خوبی دارد و در جایی خداوند به حضرت داوود زبور را هدیه می کند که نشانه های موسیقی بوده و این پیامبر دعاهایی که انجام می داده بازبان موسیقی بوده و با تمام گیاهان هموا می شده

فلسفی برای ما ایرانیان که قوم یکتاپرستی هستیم باید یک عشق و هدف داشته باشیم.

ارتباط موسیقی با دیگر هنرها

هیچ وقت نقاشی را ترک نکردم و بعضی از طراحی جلد نوارهایم را خودم انجام می دهم امروز خیلی به نقاشی مینیاتور و نگارگری علاقه مندم و خیلی برایم قابل درک است و از طریق آن با موسیقی ارتباط برقرار می کنم.

در ماه گذشته یک کنگره بین المللی به نام کمال الدین بهزاد داشتیم و در آن جا یک کنفرانس همراه با اجرای موسیقی داشتیم که روی سه اثر آن کار کرده بودم به خصوص روی اثر آمدن سلیم نزد معجون در بیابان که معجون مدت ها گرسنه بوده و وقتی برایش غذا می آورند به حیوانات می دهد. از فضای زیبای خاصی برخوردار است که در عرفان شبیه مقام فقر است یکی از دستگاه های موسیقی ما که مقام نوا دارد همان حالت را دارد. وقتی آن تابلو را نگاه می کنی انگار مقام نوا را با خود زمزمه می کنی. همین موضوع باعث می شود از طریق نقاشی به معماری علاقه داشته باشیم. معماری سنتی را از نظر حجم، فضا و حالت هایی که ما را به فضای معنوی می کشاند با موسیقی خیلی نزدیک می بینم، همچنین خوشنویسی که انگار اجرای

موفقیت در عرصه هنر

موفقیت را یک امر نسبی می بینم. هر کس در صورت رسیدن به اهداف موفق است. اگر اهداف ما سطحش پایین باشد زود به آن خواهیم رسید مثلاً اگر برای خرید مایحتاج روزانه به فروشگاه برویم خیلی زود موفق می شویم اما در عرصه هنری انسان هیچ وقت احساس موفقیت به طور کامل نمی کند باید اگر سازی می زنی بتوانی در کنسرتی حال مردم را عوض کنی و به آنها احساس خوشایندی بدهی تا اگر غصه ای در دلشان دارند برطرف شود. در نوازندگی، موفقیت درجات مختلفی دارد. یک روز نوازنده تصمیم می گیرد سازش را کوک کند اگر بتواند این کار را انجام دهد موفق است و هر روز پیشرفت کوچکی نسبت به قبل دارد که احساس موفقیت می کند.

به طور کلی کسانی که کارهای هنری انجام می دهند دو دسته هستند بعضی ها با خوش بینی و امید به مسایل نگاه می کنند و در جزئیات احساس موفقیت می کنند تا به هدف نهایی برسند عده ای از هنرمندان که دید منفی دارند همیشه احساس نارضایتی و ناخوشایندی دارند. در شرق قدیم هنرمندان همیشه باخوش بینی و شوق به مسایل نگاه می کنند و ممکن است که به هدف نهایی نرسند ولی هیچ وقت احساس ناامیدی نمی کنند من در زمینه کار خودم در خیلی از مسایل احساس موفقیت می کنم. ولی برای رسیدن به هدف نهایی ام امیدوارم و تلاش و مطالعه می کنم به طور کلی همه ما آدم ها آرزو داریم که به انسان بودن نزدیک شویم. به خصوص تعریفی که ما از هنر و فرهنگ خودمان داریم فضیلت است. هنرمند به کسی می گویند که فضیلت اخلاقی داشته باشد. چون رسیدن به این مقوله به طور کامل دست نیافتنی است هنرمند همیشه امیدوار است که به این مرحله برسد.

عشق به طبیعت

از کودکی علاقه عجیبی به طبیعت داشتم انگار یک نوع عشق خاصی به گل و گیاه و زمین و آسمان داشتم فقط همین را می دانم که خیلی تحت تاثیر قرار می گرفتم دلم می خواست آنچه را که می بینم به تصویر بکشم. وقتی صداها و اصوات طبیعت را می شنیدم مرا خیلی جذب می کرد و دوست داشتم سازی را بنوازم و به جای نقاشی و به تصویر کشیدن آنچه که چشمم می بیند آنچه را که گوشم می شنود بنوازم. مدتی هر دو را کار کردم ولی پس از دوره ای کار به این نتیجه رسیدم که باید یک هنر را انتخاب کنم. در نهایت موسیقی را انتخاب کردم و سازهای مضرابی بسیار تاثیرگذار بود مثل تار، سه تار و سنتور ولی ساز سنتور برایم از همه جالب تر بود و از آن زمان تا به امروز سنتور، ساز تخصصی من است.

امروز که هنرجویان و شاگردانم از من سؤال می کنند در زمینه انتخاب ساز و نوع موسیقی به آنها می گویم باید برای هر رشته ای یک ساز و یک نوع موسیقی را انتخاب کرد و برای رسیدن به آن می توانی تمام سازها و رشته ها را کار کنی و برای درک آن موسیقی نقاشی انجام دهی ولی چون هدف موسیقی است. امروز که در موسیقی، دستگاه ها و ردیف های خاص داریم باید یک مکتب را انتخاب و درک کنیم و برای فهم آن باید ردیف های هم دوره آن را هم مطالعه کنیم. اگر ردیف آقا حسینقلی را کار می کنیم باید ردیف برادرش میرزا عبدا... را هم مطالعه کنیم، چرا که در این صورت آن را بهتر درک می کنیم و از رموز آن باخبر می شویم. از نظر

است.

امروز در فیزیک کوانتوم می بینیم هر جسمی چه زنده و بی جان دارای ارتعاش و شعور هستند. پس همه چیز انگار موسیقی است می توانیم به آسمان نگاه کنیم و صدای ستاره ها را بشنویم و گیاه را نگاه کنیم و موسیقی را درک کنیم و برای او موسیقی بنوازیم. مولانا در منزلش درختی داشت و هر صبح به آن درخت سلام می کرد و درخت جواب او را می داد.

تغییر الگوها طی زمان

الگوی من در ابتدا موسیقی گل ها از رادیو بود که استادان بزرگی موسیقی می نواختند تکنوازی استاد کسایی یا تار اکبر شهنازی و سنتور رضا برومند و در آواز نیز قوامی، بنان روی من خیلی اثر خوبی داشتند وقتی آنها را گوش می دادم انگار روی ابرها بودم تا اواسط دانشگاه تحت تاثیر موسیقی گل ها بودم تا این که روزی صفحه ای از حبیب سمعی گوش کردم و به شدت همه افکارم به هم ریخت در آن اثر به قدری وضوح و پاکی دیدم که همه نگاهم تغییر کرد و نغمه ای که از کودکی به دنبالش بودم را پیدا کردم. سازم را تغییر دادم و مدت ۱۶ سال روی آن کار کردم و استاد برومند ۱۲ سال شاگرد استاد حبیب سمعی بود و من هشت سال نزد او برای شناخت این اثر کار کردم. در کنگره ای یک ایران شناس فرانسوی وقتی ساز حبیب سمعی را شنید گفت: ایرانیان به جای تقلید از غرب هنرمندان خود را بشناسند و روی موسیقی خودشان کار کنند. او منشا موسیقی جهان را در شرق و ایران می دید.

خصوصیت مثبت

علاقه زیاد به موسیقی جدی و پشتکار را از خصوصیات مثبت خودم می دانم وقتی به چیزی علاقه دارم، آنقدر روی آن کار می کنم تا به نتیجه دلخواه برسم. شکستی در کارم نمی بینم امروز که اعتقادات معنوی ام بیشتر شده همه آنها را مصلحت خدا می بینم در جوانی هم وقتی کاری نمی شد از کنارش می گذشتم و علتش را هم علاقه به طبیعت می دانم چون در یک جویبار وقتی آب به سنگی برخورد می کند از کنارش می گذرد و انعطاف پیدا می کند.

یکی از درس هایی که در دانشگاه خواندم موسیقی متون قدیم است و از آن درس نمره نگرفتم چون می خواستم آن را درک کنم و امروز در آن زمینه که فواصل موسیقی در ایران است و دو جلد کتاب نوشته ام و تخصص پیدا کرده ام.

شاید یکی از علت هایی که به عنوان چهره ماندگار انتخاب شدم نوشتن این دو کتاب و سمینارها و کنفرانس های زیاد در این زمینه است. همه اینها مستلزم عشق و علاقه به هنر و علم است که آن را در جایگاه بالایی نگاه کنیم اگر هدف والا، الگوهای بزرگ، پشتکار و عشق داشته باشیم حتماً به موفقیت می رسیم.

کلام آخر

هیچ هنرمندی نمی تواند بپذیرد که جزو چهره های ماندگار است چون ماندگاری را زمان تعیین می کند. حافظ یک چهره ماندگار است. خوشحالی من از این است که جامعه ما به هنر و علم ارزش می دهد و حتی چند موسیقیدان به عنوان چهره ماندگار معرفی می شوند، یعنی به موسیقی ارزش داده می شود و این باعث انگیزه و تلاش جوانان در این راه می شود.